

مطالعه تطبیقی نقش زنان در موسیقی سوگ اقوام بختیاری و سیستانی (با تاکید بر بررسی آیین‌های سوگواری گاگریو و آرده خوانی)*

شکوفه سادات روحانی** نکیسا هدایت‌زاده***

چکیده

موسیقی بومی به عنوان یکی از انواع موسیقی، نمودی است از احوالات مردم و آداب و رسوم مخصوص هر قوم و به نوعی تاریخ شفاهی آن سرزمین محسوب می‌شود و حضور زنان در موسیقی اقوام می‌تواند بیانگر بخشی از بینش مردمان نواحی مختلف باشد. موسیقی بومی با توجه به محتوا، مضامین و کاربردها، دارای اقسام مختلفی است و موسیقی سوگ به عنوان یکی از اقسام موسیقی بومی به مجموعه‌ای از موسیقی و آوازهایی اطلاق می‌شود که در مدح و غم از دست دادن فرد متوفی و در مراسم سوگواری خوانده شوند. هدف از این پژوهش پاسخ به این پرسش است که در آیین‌های سوگواری «گاگریو» در اقوام بختیاری و «آرده خوانی» در اقوام سیستانی، در اجرای آواها و برگزاری مراسم توسط زنان، چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد. از علل انتخاب این دو قوم می‌توان به پیشینه فرهنگی، قدمت آداب و رسوم و نیز شباهت آیین‌های قومی این اقوام به یکدیگر اشاره کرد. در این راستا، به روش کتابخانه‌ای و بررسی مقالات منتشر شده و مصاحبه از چند تن از اقوام بختیاری و سیستانی، نقش زنان در آیین سوگ آواهای بومی به شیوه تطبیق مضمونی و روش تحلیلی، مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت. با توجه به یافته‌های انجام شده، به نظر می‌رسد، زنان در هر دو قوم به عنوان اجرا کننده سوگ آواها، نقش مهمی را در زنده نگه داشتن فرهنگ بومی و مذهبی این اقوام ایفا می‌کنند و در مجموع دارای وجوه مشترکی در محتوا و مفاهیمی نمادین چون روایی بودن و شیوه اجرای موسیقی سوگ، وزن و قالب ابیات سوگ سرودها، هستند. پژوهش در راستای موسیقی بومی و مکتوب نمودن آنچه به عنوان باورهای یک قوم در قالب موسیقی بیان می‌شود، می‌تواند سبب حفظ و گسترش موسیقی اقوام شده و از نابودی آداب و رسوم، باورها، فرهنگ اصیل و زبان بومی هر قوم، جلوگیری کرده و سبب ماندگاری هویت بومی و فرهنگی و تاریخ شفاهی آن اقوام گردد.

کلیدواژه‌ها: اقوام سیستان، موسیقی سوگ، موسیقی زنان بختیاری، گاگریو، آرده خوانی

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شکوفه سادات روحانی با عنوان «تبیین نقش زنان در موسیقی آیینی اقوام سیستانی، مطالعه موردی آیین‌های آیکه، آرده خوانی و آلوکه» به راهنمایی دکتر نکیسا هدایت‌زاده در دانشگاه غیرانتفاعی خاتم می‌باشد.

** دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه غیرانتفاعی خاتم، تهران (نویسنده مسئول).

shokoofehrohani65@gmail.com

n.hedayatzadeh@khatam.ac.ir

*** استادیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه غیرانتفاعی خاتم، تهران.

مقدمه

هنر موسیقی به عنوان پدیده‌ای اجتماعی بازتاب دهنده تفکرات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هر جامعه محسوب می‌شود و در هر قوم می‌تواند نمودی از احوالات مردم و آداب و رسوم مخصوص آن قوم و سرزمین باشد. موسیقی بومی و اقوامی به عنوان یکی از متنوع‌ترین انواع موسیقی در جهان، دارای ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی از مردمان اقوام مختلف است که به نوعی بیانگر احساسات و روحيات اقوام و به بیانی دیگر بازگو کننده تاریخ شفاهی آن منطقه و قوم محسوب می‌شود و پژوهش در زمینه موسیقی قومی می‌تواند در شناخت ریشه‌های شکل‌گیری فرهنگ در جامعه و جهان‌بینی اقوام نواحی مختلف تاثیر بسزایی داشته باشد. از طرفی زنان به عنوان یکی از عوامل اصلی ساختار خانواده و پایه و اساس تربیتی جامعه، می‌توانند نقش موثری در شکل‌گیری فرهنگ در سطح جامعه داشته باشند، به ویژه حضور زنان در موسیقی اقوامی و نواحی می‌تواند نمود بخشی از تفکرات و بینش مردمان نواحی مختلف باشد.

برگزاری آیین‌های سوگوارگی در میان اقوام ایرانی به عنوان رسمی رایج برای زنده نگه داشتن یاد فرد متوفی محسوب شده و اغلب این آیین‌ها با موسیقی و شعر و آوازهایی بداهه در مدح و ستایش فرد متوفی همراه هستند. در بسیاری از این مراسم‌های آیینی در بین اقوام مختلف، زنان نقش برجسته‌ای را در برگزاری و اجرای این سوگ آواها ایفا می‌کنند. در این مقاله به بررسی نقش زنان در موسیقی سوگ اقوام بختیاری و سیستانی به عنوان اقوام کهن ایرانی پرداخته شده است. قوم بختیاری از اقوام بزرگ ایرانی محسوب می‌شود که عمدتاً این اقوام در جنوب غربی ایران و در امتداد رشته کوه‌های زاگرس ساکن هستند. (صادقی‌نیا، ۱۳۹۵: ۶۱) ایل بختیاری همچون سایر اقوام نواحی مختلف ایران دارای آیین‌ها و رسوم مختلفی می‌باشند که بسیاری از این آیین‌ها با موسیقی محلی خاص آن منطقه همراه است. از جمله آیین‌های مرسوم در میان آنان آیین سوگوارگی «گاگریو» است که در سوگ و عزاداری برای از دست رفتگان این قوم برگزار می‌شود. «گاگریو» در حقیقت نوعی آواز دسته‌جمعی سوگ است که عمدتاً زنان طایفه و به ندرت مردان، مجریان آن هستند. (غفاری، ۱۳۸۸: ۱۷۴) از دیگر اقوام کهن ایرانی، اقوام سیستانی هستند که عمدتاً در جنوب شرقی ایران ساکن هستند. (الهامی و میرشکار، ۱۳۹۸: ۵) و همچون سایر اقوام ایران، آیین‌ها و مراسم‌های مخصوص به خود را برگزار می‌کنند، آیین سوگوارگی در میان اقوام سیستان نیز همانند ایل بختیاری با آیین‌ها و موسیقی

مخصوص سوگ همراه است، «روایی خوانی» یا «آرده خوانی» در آیین سوگ اقوام سیستانی، سوگ سروده‌ای حزن انگیز است که در مراسم عزاداری به صورت آواز خوانی در ستایش فرد متوفی اجرا می‌شود. (رئیس‌الذاکرین، ۱۳۷۰: ۷۹) و عمدتاً زنان طایفه به صورت دوبیتی خوانی و با گویش بومی، آن را اجرا می‌کنند. (الهامی و میرشکار، ۱۳۹۸: ۹) از علل انتخاب دو قوم کهن بختیاری و سیستانی در این پژوهش می‌توان به پیشینه فرهنگی، قدمت آداب و رسوم و نیز شباهت آیین‌های قومی و موسیقی بومی این اقوام به یکدیگر اشاره کرد. این پژوهش در نظر دارد با تحلیل و واکاوی آیین‌های سوگوارگی «گاگریو» در بختیاری و «آرده خوانی» در سیستان، نقش زنان را در اجرای این سوگ آواهای بومی بررسی کرده و در نهایت به این سوال اصلی پاسخ دهد که در آیین‌های سوگوارگی دو قوم بختیاری و سیستانی، در اجرای آواها و برگزاری مراسم توسط زنان، چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد؟

از آنجایی که موسیقی بومی به عنوان عاملی مهم در ایجاد، اعتلا و رشد فرهنگ در میان اقوام مختلف تاثیر بسزایی دارد و می‌تواند علتی موثر جهت انتقال تاریخ و تمدن، احساسات و عواطف یک قوم در میان سایر اقوام جهان محسوب شود، ضرورت انجام پژوهش‌هایی با موضوع موسیقی بومی، می‌تواند سبب گسترش فرهنگ و البته عاملی در توسعه گردشگری در سطح کشور گردد. پژوهش با موضوع زنان و موسیقی نیز می‌تواند سبب احیا نقش زنان در فعالیت‌های فرهنگی در سطح جامعه شود و از آنجایی که مطالعات در حوزه موسیقی شناسی بومی با محوریت نقش زن، در ایران بسیار ناچیز بوده و پژوهش‌ها در این موضوع، تنها به چند دهه اخیر محدود می‌شود، مطالعه در این راستا می‌تواند سبب انتقال ادبیات شفاهی و تبیین جایگاه زنان در سطح جامعه و امور فرهنگی گردد. از طرفی با توجه به اینکه اقوام سیستانی و بختیاری از اقوام باستانی ایران محسوب می‌شوند و تاکنون مطالعات محدودی در زمینه موسیقی بومی این اقوام صورت گرفته است، این پژوهش در نظر دارد به کمک منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه میدانی به تبیین و توصیف، موسیقی بومی اقوام بختیاری و سیستانی با محوریت نقش زنان در آن بپردازد.

پیشینه تحقیق

بررسی مقالات و مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که در زمینه نقش زنان در موسیقی سوگ، آیین‌های سوگوارگی اقوام بختیاری و سیستانی تاکنون پژوهشی به طور تطبیقی صورت نگرفته است و مباحث بررسی شده در مقالات موجود نشان

جغرافیایی، محتوا و مضمون ابیات، وجه تسمیه، ردیف و وزن و قافیه، مورد بررسی و واکاوی قرار داده‌اند. مددی (۱۳۷۹) در مقاله «جایگاه موسیقی در ایل بختیاری» به مطالعه شعر و موسیقی محلی بختیاری پرداخته و اشاره می‌کند که شعر بخش عمده‌ای از موسیقی بختیاری را شامل می‌شود و عمدتاً مضمون موسیقی بختیاری، به جهت جنگ‌ها، مهاجرت‌ها و درگیری‌ها، در طول تاریخ، حزن‌انگیز بوده و با غم و اندوه همراه است. اردلان (۱۳۷۶) در کتاب «موسیقی بختیاری» به تحلیل و بررسی موسیقی بختیاری پرداخته است. الهامی (۱۳۹۴) در مقاله «ویژگی‌های ساختاری و ادبی دوبیتی‌های سیستان» بومی سرودهای سیستانی را از نظر ساختار و فرم، با دوبیتی‌ها در ادبیات پارسی، مقایسه نموده و دوبیتی‌های سیستانی را بخش مهمی از ادبیات شفاهی و فرهنگ عامه مردم سیستان معرفی نموده است. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر این است که بومی سرودها و دوبیتی‌ها در سیستان، مانند سایر اقوام در نواحی دیگر ایران، نمایانگر زندگی مادی و معنوی و به نوعی فرهنگ بومی این مردمان است. الهامی (۱۳۹۶) در مقاله «جایگاه و تحلیل درون‌مایه سیتک‌ها در ترانه‌های سیستان» با بررسی مفاهیم موجود در دوبیتی‌های سیستانی و با هدف شناخت فرهنگ، آداب و رسوم، افکار و اندیشه‌های مردمان سیستانی، به جهت شباهت زیاد دوبیتی‌های سیستان و دوبیتی‌های جنوب خراسان، این فرضیه را عنوان می‌کند که با توجه به همجواری منطقه سیستان با برخی از کشورهای شبه قاره، مانند افغانستان و تاجیکستان و به دلیل داشتن پیشینه فرهنگی مشترک و اشتراکات زبانی، به نظر می‌رسد، که این مناطق دارای ریشه‌های مشترکی در حوزه فرهنگ و ادبیات عامیانه، باشند که می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌هایی در آینده با هدف شناخت ادبیات عامیانه در این مناطق گردد.

روش و رویکرد تحقیق

تحقیق حاضر به شیوه تطبیق مضمونی به تجزیه و تحلیل نقش زنان به عنوان اجرا کنندگان سوگ آواها در مراسم سوگواری و آیینی می‌پردازد. از آنجایی که در شیوه تطبیق مضمونی، موضوع واحدی در دو یا چند بستر فرهنگی جغرافیایی و بدون قید زمان، مورد مطالعه قرار می‌گیرند، در این پژوهش، ابتدا موسیقی سوگ با در نظر گرفتن نقش زنان، در آیین‌های سوگواری در دو قوم بختیاری و سیستانی از طریق مطالعه مقالات منتشر شده و مرتبط با موضوع، مورد پژوهش و واکاوی قرار گرفت و سپس به روش تحلیلی به بررسی وجوه اشتراک و افتراق نقش زنان، در این دو آیین

می‌دهد که پژوهش‌ها در این زمینه، منحصر به نقش زنان پرداخته نشده است. اما مقالاتی با موضوعاتی مشابه موجود هستند که به نوعی با موضوع پژوهش حاضر در ارتباطند. با توجه به اهمیت موضوع آیین‌های سوگواری در میان اقوام بختیاری و سیستانی، در این زمینه تاکنون پژوهش‌هایی صورت گرفته است که از این موارد می‌توان به این مقالات اشاره نمود: مقصودی و شیرمردی (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی مفاهیم سوگ در قوم بختیاری با تاکید بر تحلیل محتوای موسیقی گاکریو» و شهبازی (۱۴۰۲) در مقاله «نقد و بررسی ساختار، زبان، بلاغت و محتوای گاکریوهای بختیاری (گونه ای از اشعار عامه)» با معرفی و بررسی مراسم سوگ گاکریو، در میان اقوام بختیاری، به تحلیل محتوایی اشعار و ابیات سوگ‌نامه‌ها در ایل بختیاری پرداخته‌اند. محتوا و مضمون سوگ‌نامه‌ها در اکثر موارد با توجه به ویژگی‌ها، جنسیت و سن فرد متوفی، متفاوت است و در وصف و در غم از دست دادن متوفی، سروده و خوانده می‌شوند. غفاری (۱۳۸۸) در مقاله «موسیقی سوگ در ایل بختیاری، نگاهی به آواز گاکریو (گوگریو) و ساز چپی (سازوارونه) در موسیقی بختیاری» پس از معرفی آیین گاکریو و مراسم سوگواری در میان اقوام بختیاری، سوگ آوازها را از لحاظ ساختار موسیقایی همراه با نت نگاری نمونه‌هایی از آواز گاکریو، مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. نگارنده در این پژوهش، ساز چپی یا وارونه را به عنوان نامی برگرفته‌ای از موسیقی در اقوام بختیاری که در هنگام عز و توسط سازهای سرنا و دهل نواخته می‌شود، معرفی می‌کند. الهامی و میرشکار (۱۳۹۸) در مقاله «ارده‌خوانی و کاربردهای آن در آیین سوگواری سیستان» به معرفی ارده‌خوانی و کاربرد آن در آیین سوگواری سیستان پرداخته‌اند که بررسی و مطالعه تاریخیچه، وجه تسمیه، مجریان، مکان و زمان اجرا و شیوه اجرا و همچنین مقایسه آن با گونه‌های مشابه دیگر در مناطق مختلف ایران، نشان می‌دهد که برگزاری آیین سوگواری، با گویش بومی، نزد مردمان سیستانی، جایگاهی بسیار والایی دارد. باقری (۱۳۹۰) در مقاله «آیین‌های مرگ و مویه در لرستان» به مطالعه مرثیه و مویه‌ها، آیین سوگواری در لرستان و تاثیر ابیات مویه در سوگواری پرداخته است و به نقش زنان به عنوان مجریان آیین سوگواری اشاره می‌کند. در زمینه موسیقی بومی و تحلیل بومی سرودها در اقوام بختیاری و سیستانی نیز مطالعات و پژوهش‌هایی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: ذوالفقاری و احمدی کمرپشتی (۱۳۸۸) در مقاله «گونه‌شناسی بومی سرودهای ایران» به بررسی بومی سرودهای اقوام ایران پرداخته و برخی از این بومی سرودها را از لحاظ قالب شعری، محدوده

پرداخته شد. گردآوری اطلاعات در این مطالعه، با استناد به منابع کتابخانه‌ای و بررسی مقالات منتشر شده در این راستا و مصاحبه حضوری از میان مردمانی از اقوام بختیاری و سیستانی است.

بومی سرودها در موسیقی نواحی و بومی

اشعاری که شاعران محلی به گویش محلی و بومی در قالب‌هایی چون: غزل، مثنوی، قصیده و یا دوبیتی می‌سرایند و با ذوق روستایی همراه است، «بومی سرود» گفته می‌شود. بومی سرودها بخشی از ادبیات شفاهی هر قوم محسوب شده و مخاطبانش اغلب عشایر و روستاییان هستند. (ذوالفقاری و احمدی کمرپشتی، ۱۳۸۸: ۱۴۵) موسیقی نواحی و محلی به نوعی بازتاب دهنده فرهنگ حاکم بر هر قوم است. ترانه‌ها و بومی سرودها، ساده و بی‌پیرایه بوده و معمولاً دارای خصلت جمعی هستند و حاصل تفکرات و ناخودآگاه جمعی هر قوم محسوب می‌شوند، بخش عمده‌ای از بومی سرودها، نمایانگر احساسات و عواطف بشری بوده و خیال‌پرور هستند. سراینده این اشعار معمولاً نامشخص است، برخی از این بومی سرودها به شکل سوال و جواب خوانده می‌شوند. (ذوالفقاری و احمدی، ۱۳۸۸: ۱۴۹) ترانه‌های عامیانه‌ای وجود دارد که از لحاظ مضمون و سبک، کاملاً بهم شباهت دارند و به نظر می‌رسد که ترکیب اولیه این ترانه‌های عامیانه، مربوط به زمانی است که اقوام ملل مختلف با یکدیگر می‌زیسته‌اند. (هدایت، ۱۳۷۸: ۲۰۱-۲۰۰) این بومی سرودها با توجه به حوزه جغرافیایی اقوام و با توجه به کاربرد، قالب ادبی، وزن شعری و مضمون و محتوا دارای اقسام مختلفی هستند. بومی سرودها معمولاً براساس محتوا دارای اقسامی مختلفی از جمله بومی سرودهای زنان، بومی سرودهای سوگ، بومی سرودهای مربوط به کار، بومی سرودهایی با محتوای عاشقانه و ... هستند. (همان: ۱۶۷) و با لهجه و گویش محلی خوانده می‌شوند.

موسیقی سوگ

موسیقی سوگ یا همان سوگ آواها، به موسیقی و آواهایی اطلاق می‌شود که در مدح فرد متوفی و در مراسم سوگواری خوانده شود. این آواها همان ترانه‌های در ارتباط با مرگ و سوگواری هستند که می‌توان آنها را به دو دسته کلی تقسیم کرد: دسته اول در مدح فردی خوانده می‌شود که با مرگ طبیعی از دنیا رفته است و دسته دوم در مدح و بزرگداشت فردی است که در اثر بیماری، جنگ و یا اتفاقات حین کوچ، فوت شده است. در هر دو دسته مضمون اشعار و آواها با توجه به سن و جنسیت فرد می‌تواند متفاوت باشد. (غفاری، ۱۳۸۸: ۱۷۱)

از آنجایی که موسیقی از ساده‌ترین هنرها برای انتقال و توصیف احساسات و هیجانات و حس زیبایی‌پرستی و ذوق هنری محسوب می‌شود. (پورتراب، ۱۳۹۳: ۱۳) به نظر می‌رسد، موسیقی سوگ نیز راهی برای بیان احساسات غم و اندوه از دست دادن عزیزان به شمار می‌رود. مضامین سوگ آواها در حالت کلی با ناله، نفرین، دعا و آرزو همراه است و توصیف کننده روحیات و خصوصیات اخلاقی، رشادت‌های فرد در گذشته و یا اتفاقات منجر به مرگ و زمان مرگ یا آرزوهای فرد متوفی است و برای تسلی خاطر بازماندگان و زنده نگه داشتن یاد و خاطره‌ی فرد از دنیا رفته، خوانده می‌شوند. آیین‌های سوگواری در میان اقوام مختلف به شیوه‌های مختلفی برگزار می‌گردند.

اقوام بختیاری و موسیقی

قوم بختیاری از اقوام بزرگ و پر جمعیت ایرانی محسوب می‌شود که در گذشته زندگی کوچ‌نشینی و یا نیمه کوچ‌نشینی داشته‌اند و بیلاق و قشلاق می‌کردند، اما امروزه با تغییر سبک زندگی، بیشتر این اقوام زندگی شهرنشینی را انتخاب کرده‌اند. اقوام بختیاری در جنوب غربی ایران و در امتداد رشته کوه‌های زاگرس ساکن هستند. برخی از طوایف ایل بختیاری در شهرهای استان‌های اصفهان، خوزستان و لرستان نیز زندگی می‌کنند. (صادقی‌نیا، ۱۳۹۵: ۶۲-۶۱) منطقه سکونت آنان از جنوب به استان کهگیلویه و بویر احمد، از شمال به استان‌های اصفهان و لرستان، از شرق به استان اصفهان و در غرب به استان خوزستان محدود است. (دیگار، ۱۳۶۲: ۱۷-۱۶)

موسیقی بختیاری با توجه به زندگی کوچ‌نشینی اقوام بختیاری ارتباطی مستقیم با شرایط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آن منطقه دارد، سازهای کرنا، سرنا و دهل از سازهای مرسوم در موسیقی بختیاری محسوب می‌شوند که به نوازندگان اینگونه سازها "نوشمال" گفته می‌شود. شعر و آواز و موسیقی کلامی یا همان «بیت‌خوانی» در موسیقی محلی بختیاری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و عموماً اشعار، سراینده مشخصی ندارند و به صورت سینه به سینه در طی سال‌ها و نسل به نسل منتقل شده‌اند و به نوعی بازگو کننده تاریخ و ادبیات شفاهی این قوم هستند. بیشتر اشعار و موسیقی بختیاری به دلیل شرایطی که بر زندگی مردمان ایل در طی سالها بر اثر جنگ‌ها و مهاجرت‌ها و شرایط خاص کوچ‌نشینی حاکم بوده مضمونی حزن‌انگیز داشته و مانند موسیقی بومی سایر اقوام ایرانی دارای انواع مختلفی از جمله موسیقی کار، موسیقی غنایی و عاشقانه، موسیقی حماسی، موسیقی سوگواری، سرودهای مذهبی است. (مددی، ۱۳۷۹: ۳۰)

آیین گاگریوه (گوگریوه)

مردمان ایل بختیاری همچون سایر اقوام بختیاری، برای زنده نگه داشتن یاد عزیزان از دنیا رفته در مراسمی با توجه به سن و جنسیت و موقعیت اجتماعی و علت فوت و خصوصیت اخلاقی متوفی سوگواری و ناله و زاری می کنند. گاگریوه خوانی، در موسیقی محلی اقوام بختیاری، سروده هایی است که در هنگام فوت، افراد ایل با مضامین و مفاهیم خاصی، همراه با سازهایی همچون نی و دهل، سروده و خوانده می شوند. (مقصودی و شیرمردی، ۱۳۹۳: ۳۱۱)

در حقیقت آیین گاگریوه در میان مردمان ایل بختیاری نوعی آیین سوگواری و زاری در فوت مردگان است. کلمه «گاگریوه» مرکب شده از دو کلمه «گا + گریوه» و با توجه به مطالعات انجام شده در این حوزه شاید بتوان گفت «گا» ریشه در زبان کهن ایران باستان داشته و در اصل همان «گات» به معنای سرود است و «گاگریوه» همان سرودهایی است، که در هنگام گریستن و حزن خوانده می شوند. (مقصودی و شیرمردی، ۱۳۹۳: ۳۱۱) در این رابطه، عیسی غفاری در مقاله موسیقی سوگ در ایل بختیاری، می نویسد: «گاگریوه کلمه ای مرکب است از دو مصدر گودن و گریوستن، معادل گفتن و گریستن فارسی» (غفاری، ۱۳۸۸: ۱۷۳) گاگریوه در حقیقت نوعی آواز دسته جمعی است که عموماً زنان و به ندرت مردان، آن را در عزای شهیدان و مرگ عزیزان ایل خوانده و هم سرایی می کنند. (غفاری، ۱۳۸۸: ۱۷۴) از آنجایی که از دست دادن جوانان در میان مردمان بختیاری با غم و اندوه بسیار فراوانی همراه است، مراسم گاگریوه برای جوانان با سوز و گداز و شدت بیشتری نسبت به بزرگسالان برگزار می شود. و مضمون ابیات به ناکام ماندن آن جوان از زندگی، اختصاص می یابد. (مقصودی و شیرمردی، ۱۳۹۳: ۳۲۷)

نقش زنان در موسیقی سوگ و آیین سوگواری در اقوام بختیاری

سوگ آواها عموماً سروده زنان طایفه هستند، که توسط زنان در مراسم های سوگواری خوانده می شوند. غالباً زنان در هر قوم و طایفه به علت دارا بودن عاطفه ای عمیق به عنوان عاملی در برانگیختن احساسات و ایجاد فضایی احساسی در زنده نگه داشتن منزلت فرد متوفی، نقش اصلی را ایفا می کنند. (قادری و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۰-۸۱) سوگ سرودها عمدتاً در وصف مردان و بزرگان ایل سروده می شود و در مورد زنان به خصوص دختران جوان ایل به نسبت مردان کمتر سروده و خوانده می شوند. این سوگ آواها در توصیف پسران جوان و کودکان نیز سروده می شوند. (همان: ۳۱۶)

در این مراسم، مرسوم است که یکی از زنان بزرگ طایفه، بیتی را به صورت تک خوانی می خواند و همه زنان حاضر در مجلس با او همخوانی می شوند و بیت گاگریوه را به صورت ترجیع بند تکرار می کنند. و دوباره زن تک خوان بیتی دیگر را در وصف و مدح و ستایش متوفی، همراه با ناله و زاری و آهنگی غمناک می خواند و سایرین به صورت دسته جمعی او را همراهی می کنند و همراه با این بیت خوانی گریه و زاری سر می دهند. در حین گاگریوه خوانی، توشمال ها و نوازندگان نیز زنان را با آهنگ و آوای سوزناک ساز همراهی می کنند. ابیاتی که در آیین سوگواری گاگریوه خوانده می شود، دارای وزن و قافیه مشخصی نیستند و معمولاً به صورت تک بیتی خوانده می شوند. یعنی هر بیت به تنهایی بیانگر یکی از خصوصیات اخلاقی و یا ظاهری متوفی است، که با گویش محلی و از زبان بازماندگان و نزدیکان یا از زبان فرد از دنیا رفته بیان می شوند. انتخاب تک خوان های گاگریوه خوانی معمولاً براساس تقدم سنی زنان ایل است. به این معنا که معمولاً بزرگان طایفه مسئولیت تک خوانی را بر عهده می گیرند. (مقصودی و شیرمردی، ۱۳۹۳: ۳۱۲) عموماً در مراسم های تشییع جنازه، سوم، هفتم، چهلم و سالگرد متوفی مراسم گاگریوه برگزار می شود.

اصغر شهبازی در مقاله «نقد و بررسی ساختار، زبان، بلاغت و محتوای گاگریوه های بختیاری (گونه ای از اشعار عامّه)» نمونه های بسیاری از ابیات گاگریوه، که زنان بختیاری در مراسم سوگواری می خوانند، را بیان کرده است که در زیر به سه نمونه از این ابیات اشاره شده است:

نمونه ۱: «دل مو چی کینو زیر بار غمونه
/ برف کهنس نیرو نو نه رسونه»
معنای فارسی: «دل من شبیه کوه کینو است، که برف
کهنه و قدیمی اش نرفته، برف تازه ای بر آن می بارد.»
(شهبازی، ۱۴۰۲: ۱۰۳)

نمونه ۲: «ای دا دستته دستم بده رو و سلامت
/ دیدار خوم و خودت ره سی قیامت»

معنای فارسی: «ای مادر، دستت را به دستم بده و برو
به سلامت دیدار من با تو رفت برای قیامت.» (همان: ۱۱۹)

نمونه ۳: «چه کئوم و ای دلُم خیلی دردمنده
/ چی کُنا لو ره پَر وِش (قش) نَمَنده»
معنای فارسی: «با این دلم چه کار کنم؟ خیلی دردمند
است، همچون درخت کُناری (درخت سدر) است در
کنار راهی که چون مدام به آن سنگ یا چوب می زند،
برگی بر آن نمانده است.» (همان: ۱۰۳)

اقوام سیستانی و موسیقی

اقوام سیستانی از کهن‌ترین اقوام ایرانی هستند که در جنوب شرقی خراسان و در استان سیستان و بلوچستان سکونت دارند. سرزمین سیستان در گذشته شامل بخش‌هایی از جنوب شرقی ایران، قسمت‌هایی از افغانستان و پاکستان کنونی بود و اکنون محدوده جغرافیایی سیستان در ایران به شهرستان‌های زابل، زهک، نیمروز، هامون و هیرمند محدود است. این منطقه در هنر و شعر و ادبیات و فرهنگ عامه، تمدنی غنی دارد. مردمان سیستانی ذوق و علاقه زیادی به سرودن اشعار و دوبیتی‌ها و موسیقی کلامی یا همان آواز دارند و این سروده‌ها و اشعار در جامعه شهری و روستایی سیستان رواج دارد، در حقیقت این سروده‌ها و دوبیتی‌ها بیانگر زندگی مادی و معنوی آنان به شمار می‌رود. (نیکوکار، ۱۳۵۶: ۶۹)

مردمان این سرزمین به کمک این بومی‌سروده‌ها و دوبیتی‌ها، احساسات، عواطف و آرزوهای خود را بیان می‌کنند که این می‌تواند نشان از قدمت فرهنگ عامه در این سرزمین باشد. (الهامی، ۱۳۹۴: ۲۳۶)

فاطمه الهامی در مقاله ویژگی‌های ساختاری و ادبی دوبیتی‌های سیستان عنوان می‌کند که: «دوبیتی مردمی‌ترین قالب شعر ایرانی است، که به سبب نزدیکی فرهنگ طوایف و ایلات ایران و اشتراک در دردها، غم‌ها و شادی‌ها، شیوه زندگی، ابزار معیشتی و جغرافیای فرهنگی، گاه با تغییراتی بسیار جزئی به هم نزدیک می‌شوند.» (الهامی، ۱۳۹۴: ۲۳۸) ترانه‌های سیستانی دارای مضامینی اجتماعی و سیاسی هستند و بازگوکننده خلق و خو و آداب و رسوم مردمان این خطه می‌باشند. آنها از این بومی‌سروده‌ها برای نشان دادن نارضایتی‌ها از فقر و تنگدستی و یا بیان احساس غم و اندوه حاصل از دوری و یا از دست دادن عزیزان، نیز استفاده می‌کنند. در حقیقت می‌توان گفت شعر و موسیقی با مردمان سیستانی عجین شده و مانند سایر اقوام ایرانی دارای اقسام مختلفی است که در مراسم‌های آیینی آنان خوانده و اجرا می‌شود. (الهامی، ۱۳۹۶: ۱۷۱) در این پژوهش به بررسی آیین آرده‌خوانی یا روایی‌خوانی به عنوان آیین سوگواری در میان اقوام سیستانی و نقش زنان در اجرای سوگ آواها در این مراسم پرداخته شده است.

آیین آرده‌خوانی (روایی‌خوانی، روایی‌خوانی، دوبیتی‌خوانی، خیروایی)

در سیستان آیین سوگواری برای فرد از دنیا رفته را «آرده‌خوانی» یا «روایی‌خوانی» یا «روایی‌خوانی» می‌گویند. در این مراسم نوعی بومی‌سروده مطابق با آیین‌های دوبیتی‌خوانی مردمان سیستان خوانده می‌شود که این سوگ سروده‌ها و

دوبیتی‌ها آهنگی حزن‌انگیز و سوزناک دارند و در توصیف خصوصیات اخلاقی و ظاهری فرد متوفی، شرح رشادتها و آرزوهای وی خوانده می‌شوند. در این مراسم زنان وظیفه خواندن این دوبیتی‌ها را برعهده می‌گیرند. در گویش سیستانی کلمه «آرده» به معنای مویه و گریه برای مرده بوده و اصطلاح «آرده کردن» به لحاظ لغوی به معنای گریه کردن یا مویه کردن است. «آرده‌خوانی» در حقیقت سوگ سروده‌ای است که با آوازی حزن‌انگیز در وصف فرد متوفی خوانده شود. غالباً هم خواننده و هم شنونده در حین خواندن این سوگ سروده‌ها می‌گیرند. (شهنازی، ۱۳۹۲: ۷۷) درباره «روایی‌خوانی» به نظر می‌رسد همان رباعی‌خوانی باشد که اگرچه با قالب شعری رباعی در ادبیات فارسی متفاوت است اما این دوبیتی‌ها بر وزن قالب شعری رباعی خوانده می‌شوند، قابل ذکر است که واژه «رباعی» در گویش و فرهنگ سیستانی نشان از سوگواری و اندوه و عزاداری دارد. در بیانی دیگر طبق مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته در این حوزه روایی‌خوانی از ریشه‌ی روایی به معنای روا بودن است که درباره اشعاری به کار برده می‌شود که برای سوگ و غم هجران و دوری سروده می‌شوند. از طرفی به نظر می‌رسد که واژه «روایی» از «رو+وایی» و به معنای رو در رو شدن و یا روبروی هم سخن گفتن باشد. (الهامی و میرشکار، ۱۳۹۸: ۷-۸)

نمونه‌هایی از اشعار آرده‌خوانی که زنان سیستانی در مراسم سوگواری می‌خوانند، برگرفته شده از مقاله «جایگاه و تحلیل درون مایه سیتک‌ها در ترانه‌های سیستان» نوشته فاطمه الهامی و کتاب «فرهنگ مردم سیستان» نوشته غلامعلی رئیس‌الذاکرین، در زیر آمده است:

- نمونه ۱: «آنجا که تویی دار و درخت بسیاره
نه بیمارو، نه از تو نارِ مُخوائو
ناری بفرست که مادرت بیمارِه
وَرگرد و بیا که توشنۀ دیدارو»
- معنای فارسی: «نه بیمارم و نه از تو انار می‌خواهم. برگرد و بیا که تشنه دیدارت هستم.» (الهامی، ۱۳۹۶: ۱۶۰)
- نمونه ۲: «گریه داره دلِ مه
گریه کُنو یک چشِ سیر»
- معنای فارسی: «دلِ می‌خواهد یک چشم سیر گریه کنم.» (رئیس‌الذاکرین، ۱۳۷۰: ۱۳)

نقش زنان در موسیقی سوگ و آیین سوگواری در سیستان

در برگزاری این مراسم و آیین عزاداری زنان سیستانی نقش محوری و اصلی را ایفا می‌کنند. به طوری که در این

در اطراف مزار جمع می‌شوند و همان طور که قبل تر گفته شد، یکی از زنان بزرگ خاندان با خواندن مصرعی از رباعی و بر سر و صورت زدن و مویه و ناله و زاری مراسم را آغاز می‌کند و گروه زنان با تکرار ترجیع‌بند رباعی به صورت آواز دسته جمعی، او را همراهی کرده، عزاداری می‌کنند، سپس مردان به صورت دایره‌وار به عزاداران اضافه می‌شوند و برای فرد از دنیا رفته از خداوند طلب مغفرت می‌کنند. مرحله دوم رباعی‌خوانی در روز بیست و یکم متوفی برگزار می‌شود و در میان مردمان سیستانی به مراسم «سَرَسَفْتَه» که همان سر سه هفته است، معروف است. این مراسم باز هم با حضور زنان خاندان و ابتدا در خانه متوفی و سپس در مزار وی انجام می‌شود. مرحله سوم مراسم رباعی‌خوانی توسط زنان خاندان در روز چهارم و سالگرد فوت فرد متوفی با همان ترتیب گفته شده صورت می‌گیرد. (الهامی و میرشکار، ۱۳۹۸: ۱۱-۱۲) رباعی‌خوانی یا ارده‌خوانی همواره با اشک و ناله و زاری و آوایی سوزناک همراه است.

مقایسه تطبیقی گاگریو و ارده‌خوانی

بررسی‌ها و مطالعات انجام شده در این پژوهش نشان می‌دهد که اجرای آیین‌های سوگواری در میان مردمان دو قوم بختیاری و سیستانی، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است هر چند امروزه با تغییر شیوه زندگی از کوچ‌نشینی به زندگی شهری برگزاری چنین مراسم‌هایی در بین اقوام ایرانی به نسبت گذشته کاهش یافته است. همان طور که اشاره شد، زنان در اجرای سوگ آواها در دو آیین گاگریوه و ارده‌خوانی به عنوان دو آیین سوگواری کهن در ایران باستان نقش موثر و قابل توجهی دارند. برگزاری این دو مراسم دارای شباهت‌ها و تفاوتی‌هایی است که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

در بررسی شباهت‌های این دو آیین و نقش زنان در آنها به این موارد می‌توان اشاره کرد:

- عمدتاً سوگ آواها شامل سروده‌هایی از سوی زنان طایفه می‌باشد.
- زنان نقش مجری و اجرا کننده مراسم سوگواری را بر عهده دارند.
- فصل مشترک هر دو، اجرای ابیات به صورت تک‌خوانی یا گروه‌خوانی توسط زنان ایل است.
- در برگزاری هر دو مراسم یکی از زنان ایل که نسبت به بقیه از لحاظ سنی بزرگتر است و صدایی رساتر و زیباتر دارد، آغازگر مراسم است و در ادامه گروه زنان به صورت گروه کر با تکرار ترجیع‌بندها او را همراهی می‌کنند.
- معمولاً سوگ آواها محتوایی حزن‌انگیز با مضامینی در

مراسم، زنان مسن طایفه روبروی هم می‌نشینند و به صورت دسته جمعی ابیات رباعی و دوبیتی‌ها را در وصف متوفی با هم زمزمه می‌کنند و می‌خوانند. زنان از طریق مویه و زمزمه رباعی‌ها باعث ایجاد فضایی احساسی و حزن‌انگیز شده و یاد و خاطره فرد متوفی را برای بازماندگان زنده نگه می‌دارند. مضمون دوبیتی‌ها و رباعی‌ها با توجه به جنسیت و سن متوفی متفاوت است. خواندن رباعی‌ها در خصوص مرگ جوانان، با سوز و گداز بیشتری خوانده می‌شود. (الهامی و میرشکار، ۱۳۹۸: ۹) در این مراسم معمولاً زنی که از همه مسن‌تر، مسلط‌تر و در آهنگ خوش صداتر است اول از همه شروع به خواندن مصرعی از رباعی‌ها و اشعار با آهنگی سوزناک و حزن‌انگیز می‌کند تا فضا برای زاری و سوگ مساعد شود و سپس ترجیع‌بندی را به تکرار می‌خواند و بقیه زنان انتهای مصراع را با هم‌نواپی و در هجایی کشیده خوانده و همراه با ناله و فریاد او را همراهی می‌کنند. (باقری، ۱۳۹۰: ۸۸) زنان در حین خواندن دسته جمعی رباعی‌ها بر سر و صورت خود می‌زنند و با حرکات دست و تغییر لحن و صدا فضای مراسم را برای بروز احساسات فراهم می‌کنند. رباعی‌ها به صورت تک‌خوانی و گروه‌خوانی اجرا می‌شوند و اغلب به صورت پرسش و پاسخ بوده و با گریستن همراه هستند. (الهامی و میرشکار، ۱۳۹۸: ۱۰) آوازهای همراه با حزن و زیر و بمی صدای زنان باعث ایجاد فضایی غم‌انگیز و اندوه‌بار می‌شود. سوگ آواها در این مراسم دارای مضمونی از مرگ و جدایی بوده و تنها زنان مرثیه‌خوان هستند که با خواندن سوگ آواها با هجاهای کشیده و آهنگی سوزناک و بدون استفاده از آلات موسیقی به خلق موسیقی کلامی می‌پردازند. اشعار انتخاب شده برای ارده‌خوانی معمولاً دارای وزن عروضی و متعارف رباعی «لا حول ولا قوه الا بالله» و وزن متعارف زبان فارسی «مفاعیلن، مفاعیلن، فعلن» می‌باشند. (الهامی و میرشکار، ۱۳۹۸: ۱۶) مضامین آنها با توجه به سن و جنسیت فرد فوت شده، نوع مرگ (مرگ ناگهانی و یا مرگ در اثر بیماری) موقعیت اجتماعی فرد و شرایط خانوادگی وی و شرایط تاهل متوفی می‌تواند متفاوت باشد و اغلب زنان بزرگ خاندان و یا از زبان مادر و یا خواهر متوفی خوانده می‌شوند، محتوای رباعی‌ها می‌تواند در غم از دست دادن مادر یا پدر خانواده باشد و یا ممکن است از سوی خواهری برای از دست دادن برادرش به صورت تک‌خوانی، خوانده شود. (الهامی و میرشکار، ۱۳۹۸: ۱۸) مراسم ارده‌خوانی در سیستان در سه مرحله انجام می‌شود: مرحله‌ی اول سه روز اول خاکسپاری متوفی است که مراسم ارده‌خوانی یا همان رباعی‌خوانی به وسیله زنان بر سر مزار متوفی برگزار می‌شود. زنان به صورت حلقه‌وار

- به صورت پرسش و پاسخ اجرا می‌شود.
- اشعار در گایریوه بدون قافیه و وزن عروضی خوانده می‌شود در حالی که در ارده‌خوانی زنان اشعار را با وزن عروضی و متعارف رباعی «لا هول ولا قوه الا بالله» و وزن متعارف زبان فارسی «مفاعیلن، مفاعیلن، فعولن» اجرا می‌کنند.
 - در مراسم گایریوه توشمال‌ها یا همان نوازندگان سازهای کرنا، سرنا و دهل، زنان را در خواندن ابیات همراهی می‌کنند، اما در ارده‌خوانی اشعار بدون همراهی ساز و آلات موسیقی و فقط از طریق موسیقی کلامی و آوازی خوانده و اجرا می‌شوند.
 - در ایل بختیاری در گایریوه‌خوانی و خواندن ابیات علاوه بر زنان، توسط مردان نیز اجرا می‌شود، اما در سیستان مراسم ارده‌خوانی فقط توسط زنان طایفه اجرا می‌گردد.
- توصیف فرد از دنیا رفته و نوع مرگ او (مرگ ناگهانی و یا مرگ در اثر بیماری)، موقعیت اجتماعی فرد و شرایط خانوادگی و تاهل وی، خوانده می‌شوند.
- هر دو توسط زنان با گویش محلی اجرا می‌شوند.
 - اجرای این مراسم‌ها توسط زنان با گفتن و گریستن همراه هستند.
 - زنان بختیاری، گایریوه‌خوانی و زنان سیستانی ارده‌خوانی را در مراسم‌های خاکسپاری، سوم، هفتم، چهلم و سالگرد متوفی اجرا می‌کنند.
 - در بررسی تفاوت‌های نقش زنان در برگزاری این دو آیین می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
 - اشعار سروده شده در گایریوه خوانی به صورت تک بیتی بوده و توسط گروه زنان به صورت تک بیت و تکرار آن به صورت ترجیع‌بند و آوازی خوانده می‌شوند، اما در ارده‌خوانی به صورت دو بیتی و رباعی سروده شده و

جدول ۱. تطبیق شباهت‌ها و تفاوت‌ها در بررسی نقش زنان در دو آیین گایریوه و ارده‌خوانی

ویژگی‌های اجرای سوگ آواها	آیین گایریوه در بختیاری	آیین ارده‌خوانی در سیستان
اجراکنندگان سوگ آواها	معمولاً زنان و گاهی مردان	زنان
سراینده ابیات سوگ آواها	زنان	زنان
نحوه اجرای ابیات	تک خوانی و گروه خوانی به صورت ترجیع بند و تکرار ابیات	تک خوانی و گروه خوانی به صورت پرسش و پاسخ و تکرار ابیات
وزن ابیات	به صورت آوازی و بدون وزن عروضی	وزن عروضی و متعارف رباعی «لا حول ولا قوه الا بالله» و «مفاعیلن، مفاعیلن، فعولن»
قالب ابیات	تک بیتی	دوبیتی و رباعی
زمان اجرای سوگ آواها	خاکسپاری، سوم، هفتم، چهلم، سالگرد	خاکسپاری، سوم، هفتم، چهلم، سالگرد
نوع موسیقی سوگ آواها	موسیقی کلامی همراه با استفاده از آلات موسیقی	موسیقی کلامی
زبان و گویش در اجرای سوگ آواها	گویش محلی و بومی	گویش محلی و بومی
محتوا و مضمون ابیات	توصیف فرد از دنیا رفته و نوع مرگ، موقعیت اجتماعی فرد و شرایط خانوادگی و تاهل وی	توصیف فرد از دنیا رفته و نوع مرگ، موقعیت اجتماعی فرد و شرایط خانوادگی و تاهل وی
حالت اجرا	همراه با ناله و آهنگی سوزناک و به صورت گفتن و گریستن	همراه با ناله و آهنگی سوزناک و به صورت گفتن و گریستن

(نگارندگان)

نتیجه گیری

موسیقی بومی به عنوان بازتاب دهنده شرایط فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و اجتماعی هر قوم، نقش موثری را در به تصویر کشیدن ویژگی‌های مردمان اقوام مختلف ایفا می‌کند. موسیقی سوگ نیز به عنوان یکی از انواع موسیقی بومی بیانگر احساسات، عواطف، ویژگی‌ها و دغدغه‌های مردمان هر قوم و قبیله محسوب می‌شود. در میان مردمان دو قوم بختیاری و سیستانی به عنوان دو قوم کهن ایرانی مراسم سوگواری و سوگ سرودها جز مهم‌ترین و عمومی‌ترین آیین‌ها محسوب می‌شود. سوگ آواها در وصف خصوصیات اخلاقی متوفی، ویژگی‌های ایل و طایفه وی خوانده می‌شوند و دارای آهنگی محزون و غم‌انگیز هستند. با بررسی‌های انجام شده در این پژوهش به نظر می‌رسد حضور زنان در موسیقی اقوامی و نواحی، کمک شایانی به بروز بخشی از تفکرات و بینش مردمان این نواحی کرده است. به بیانی دیگر موسیقی کلامی با آهنگی محزون و خواندن آن توسط زنان، راهی است برای ابراز حس همدردی با بازماندگان متوفی که سبب التیام بخشیدن به آلام درونی آنها می‌شود. در حقیقت این نواهای سوزناک و بومی سرودهای حزین می‌توانند بیانگر شیوه‌ی زندگی و دغدغه‌های مردمان این نواحی باشند. زنان با تکرار ابیات در سوگ سرودها همراه با گریه و زاری، سبب زنده نگه داشتن یاد و خاطره بزرگان و افراد ایل می‌شوند. و از این طریق، زنان نقش مهمی را در زنده نگه داشتن فرهنگ بومی و مذهبی این دو قوم ایفا می‌کنند. در مجموع نقش زنان در اجرای مراسم سوگواری در دو قوم بختیاری و سیستانی اگرچه دارای تفاوت‌های اندکی است اما شباهت‌های موجود در اجرای موسیقی سوگ و سوگ سرودها در دو آیین گاگریوه و آرده‌خوانی توسط زنان، نشان از انطباق نسبی این دو آیین با هم دارد و نقش محوری زنان را در موسیقی این دو قوم کهن ایرانی نشان می‌دهد. پژوهش در راستای موسیقی بومی و مکتوب نمودن آنچه به عنوان باورهای یک قوم در قالب موسیقی بیان می‌شود، می‌تواند سبب حفظ و گسترش موسیقی اقوام شده و از نابودی آداب و رسوم، باورها، فرهنگ اصیل و زبان بومی هر قوم، جلوگیری کرده و سبب ماندگاری هویت بومی و فرهنگی و تاریخ شفاهی آن اقوام گردد.

منابع و مأخذ

- آرمین، محمودرضا. (۱۳۸۷). موسیقی محلی و ترانه‌سرایی در سیستان. حافظ، ۵ (۵۲)، ۱۰-۱۳.
- اردلان، حمیدرضا. (۱۳۷۶). موسیقی بختیاری. تهران: انتشارات انجمن موسیقی ایران.
- افشار، ایرج. (۱۳۶۶). گوشه‌های ناشناخته‌ای از فرهنگ مردم سیستان. هنر، ۶ (۱۴)، ۲۹۲-۳۰۴.
- الهامی، فاطمه. (۱۳۹۴). ویژگی‌های ساختاری و ادبی دوبیتی‌های سیستان. فرهنگ و ادبیات عامه، ۳ (۷)، ۲۶۱-۲۳۵.
- ----- (۱۳۹۶). جایگاه و تحلیل درون‌مایه سیتک‌ها در ترانه‌های سیستان. فرهنگ و ادبیات عامه، سال ۵ (۱۸)، ۱۵۳-۱۸۲.
- الهامی، فاطمه و میرشکار، راضیه. (۱۳۹۸). آرده‌خوانی و کاربردهای آن در آیین سوگواری سیستان. فرهنگ و ادبیات عامه، ۷ (۲۹)، ۲۴-۱.
- بارتوک، بلا. (۱۳۷۷). چند مقاله درباره موسیقی محلی. ترجمه سیاوش بیضایی. تهران: رودکی.
- باقری، رحمان. (۱۳۹۰). آیین‌های مرگ و مویه در لرستان. فرهنگ مردم/ایران، ۸ (۲۶)، ۷۹-۹۱.
- پورتراب، مصطفی کمال. (۱۳۹۳). تئوری موسیقی. چاپ پنجاه و دوم، تهران: نشر چشمه.
- دیگر، ژان پیر. (۱۳۶۲). سرزمین ایل، نمونه ایل بختیاری. ترجمه اصغر کریمی. مجموعه مقالات مردم‌شناسی، تهران: دفتر دوم.
- ذوالفقاری، حسن و احمدی کمرپشتی، لیلا. (۱۳۸۸). گونه‌شناسی بومی سرودهای ایران. ادب پژوهشی، ۳ (۷) و (۸)، ۱۴۳-۱۷۰.
- رئیس‌الذاکرین، غلامعلی. (۱۳۷۰). کندو (فرهنگ مردم سیستان). مشهد: سعید.

- شهبازی، اصغر. (۱۴۰۲). نقد و بررسی ساختار، زبان، بلاغت و محتوای گایریوه‌های بختیاری (گونه‌ای از اشعار عامه). فرهنگ و ادبیات عامه، ۱۱ (۵۱)، ۸۵-۱۳۰.
- شهنازی، جواد. (۱۳۹۲). فرهنگ گویشی سیستان «خنج». جلد اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صادقی‌نیا، حمدالله. (۱۳۹۵). آداب و رسوم ازدواج در ایل بختیاری. مطالعات/ایران‌شناسی، ۲ (۱)، ۵۴-۷۶.
- غفاری، عیسی. (۱۳۸۸). موسیقی سوگ در ایل بختیاری، نگاهی به آواز گایریوه (گوگریوه) و ساز چپی (سازوارونه) در موسیقی بختیاری. فصلنامه هنر، ۲۹ (۸۲)، ۱۷۰-۱۸۴.
- قادری، الیاس؛ قنبری عدیوی، عباس و عبدالهی، مجتبی. (۱۳۹۸). نقش و جایگاه زنان در ترانه‌های بختیاری. ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، ۵ (۲)، ۶۷-۸۳.
- مددی، حسین. (۱۳۷۹). جایگاه موسیقی در ایل بختیاری. چیستا، ۱۹ (۱۷۱)، ۲۸-۳۱.
- مقصودی، سوده و شیرمردی، پژمان. (۱۳۹۳). بررسی مفاهیم سوگ در قوم بختیاری با تأکید بر تحلیل محتوای موسیقی گایریو. جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، ۶ (۲)، ۳۰۹-۳۲۹.
- مؤمنی، الهام و رضایی، محمد. (۱۳۹۷). تحلیل محتوایی و ساختاری روایی‌ها: رباعی‌های محلی دامغانی. فرهنگ و ادبیات عامه، ۶ (۲۴)، ۱۴۵-۱۷۲.
- نیکوکار، عیسی. (۱۳۵۶). سیمای زندگی مادی و معنوی: مردم سیستان در ترانه‌های عامیانه. مردم‌شناسی و فرهنگ عامه/ایران، ۶ (۳)، ۶۹-۹۰.
- هدایت، صادق. (۱۳۷۸). فرهنگ عامیانه مردم ایران. گردآورنده: جهانگیر هدایت، چاپ اول، تهران: نشر چشمه.



A Comparative Study of the Role of Women in the Mourning Music of the Bakhtiari and Sistani Tribes (With an emphasis on examining the mourning rituals of Gagerivah and Ardehkhani)*

Shokoofeh Sadat Rouhani Nakisa Hedayatzadeh*****

Abstract

2

Native music, as one of the types of music, is an expression of people's conditions and customs specific to each nation, and it is considered as an oral history of that land, and the presence of women in ethnic music can express a part of the vision of the people of different regions. Native music has different types according to their content, themes, and application, and mourning music, as one of the types of native music, refers to a collection of music and songs that are sung in praise of the deceased people and in mourning ceremonies. The purpose of this research is to answer the question, what are the similarities and differences in the mourning rites of "Gagerivah" in the Bakhtiari tribes and "Ardehkhani" in the Sistani tribes, in the performance of voices and the holding of ceremonies by women? Among the reasons for choosing these two ethnic groups, we can mention the cultural background, ancient customs and the similarity of the ethnic rituals of these ethnic groups. In this regard, the role of women in these native mourning sounds was investigated and studied by the method of thematic matching and analytical method, through the library method and the review of published articles and interviews with several members of the Bakhtiari and Sistani tribes. According to the findings, it seems that women in both ethnic groups play an important role in keeping alive the local and religious culture of these ethnic groups as performers of mourning sounds, and generally have common aspects in content and symbolic concepts. Because the narrative and the way of performing mourning music, the weight and format of mourning verses are the hymns. Research in the direction of native music and writing down what is expressed as the beliefs of a people in the form of music can preserve and expand the music of the peoples and prevent the destruction of the customs, beliefs, original culture and native language of each people and make them last. Native and cultural identity and oral history of those peoples.

Keywords: Sistan tribes, Mourning music, Bakhtiari women's music, Gagrivah, ArdehKhani

* This article is taken from the M.A. thesis of Shokoofeh Sadat Rohani entitled "Explaining the role of women in the ritual music of the Sistani people, a case study of the Aike, Ardekhani and Aloke rituals" under the guidance of Dr. Nakisa Hedayatzadeh at Khatam Non-Profit University.

** Master's student in Art Research, Faculty of Art and Architecture, Khatam Non-Profit University, Tehran, Iran. (Corresponding author). shokoofehrohani65@gmail.com

*** Assistant Professor of Art Research Department, Faculty of Art and Architecture, Khatam Non-Profit University, Tehran, Iran. n.hedayatzadeh@khatam.ac.ir